

## تاریخچه مختصر بامیان

از کتاب بازی در آتش و یا پروژه افغانستان  
تتبع و نگارش: محقق انجنیر عزیز احمد عزیز، کانادا

از آنجاییکه افغانستان در قلب آسیا قرار دارد، ولایت بامیان نیز در قلب افغانستان موقعیت دارد. بامیان در زمانهای قدیم نزدیکترین راه بین آسیای مرکزی و نیم قاره هند بود. بامیان رادر زبان چینی بنام (Fan-Yan) یا (Tan-Yenna) و در زبان پهلوی (Bamikan) یاد نموده اند.

بامیان نه تنها از لحاظ داشتن مجسمه های بزرگ بودا در جهان معروف بود بلکه مشخصات عمده تمدن قدیم را نیز دارا بوده است. از لحاظ مشخصات تمدن قدیم در بامیان یکی هم شهر ویران شده (Zohak) یا (Mardoash) است که از جمله بزرگترین شهر ها در آن زمان محسوب میگردید.

نظر به شواهد تاریخی گفته میتوانیم گردهمایی های مذهبی که به منظور عبادت کردن در (Patna) هند در سال ۷۴۷ قبل از میلاد صورت میگرفت. آشوکا کبیر، در آن زمان سه تن از رهبران برجسته بودایی هر یک به نام های (Dhammarar-khita, Majanahan-tika, Maharak-khita) را به منظور تبلیغ دین بودایی به (Ghandhara) یعنی افغانستان و دیگر ممالک فرستاد.

در بین عصر (stupa) یا زیارت و یا مقبره بودا در بامیان ساخته شد. بعداً در زمان زمامداری کنشکای کبیر که از جمله مشهور ترین زمامدار خاندان کوشانی جناح بودایی که بنام (Mahayana) یاد می شود، انکشاف داده شد. در عصر سنگ که هنر کندن کاری در روی سنگ شروع شده بود، در بین زمان البته بامیان از دو لحاظ انتخاب گردید:

اول اینکه موقعیت جغرافیایی بامیان در منطقه از اهمیت خاصی برخوردار بود.

دوم اینکه بامیان از لحاظ مشخصات جیولوژیکی خیلی مساعد بود. زیرا موجودیت طبقات ریگ، سنگ، کانگومیراتها (Conglomerates) کار کندن کاری مجسمه های بودا و حفر کاری مغاره ها را آسان میساخت. بر اساس مطالعات باستانشناسی که توسط (J. Hacking) و (Mrs. Godard) فرانسوی در سال ۱۹۲۲ و ۱۹۲۴ در بامیان آغاز گردید، نشان میدهد که:

کار کندن کاری مجسمه اولی بودا که ۳۵ متر ارتفاع دارد و بنام محلی شاه مامه یاد میشود. در قرن اول بعد از میلاد شروع شده بود که البته در آنزمان کارکندن کاری بالای سنگ آنقدر انکشاف نکرده بود.

بدین ترتیب به منظور ثبات بیشتر در حدود ۶۰۰ متر دور تر از مجسمه اولی، مجسمه دومی به ارتفاع ۵۳ متر که بنام محلی سلسل یاد میگردد، کار کندن کاری این مجسمه در اوایل قرن دوم شروع و تا قرن سوم میلادی دوام کرد تا اینکه کار کندن کاری بالای سنگ تکمیل گردیده و مجسمه سلسل که در جهان از جمله بزرگترین مجسمه ها محسوب میگردد و از لحاظ هنری از جمله بزرگترین شهکار معرفی گردید.

در اطراف این دو مجسمه های بودا به صد ها مغاره های بزرگ ساخته شد تا از این مغاره ها روحانیون مذهبی بودا و مهمانان در وقتی که به عبادت و زیارت می آمدند، استفاده می نمودند. این مغاره ها مزین با نقش و نگار ها بوده و از دور جلب توجه بیننده را مینمایند. در بین عصر شگوفانی، بامیان از جمله بزرگترین مرکز مقدس برای آیین بودایی در سرتاسر جهان معروف گردید.

پیروان این مذهب در هر سال یک بار به زیارت مجسمه ها در بامیان گرد هم جمع میشدند. در بین زمان به هزاران کاروان تجارتي از قسمت آسیای مرکزی تا قاره هند در حرکت بودند که البته بامیان مرکز تجارتي این شهرها بزرگ تجارتي محسوب میشد. دوازده مغاره که بنام های فولادی و ککرک بودند و به منظور بود و باش این قافله ها ساخته شده بودند، در ده کیلومتری به طرف شرق دره اصلی بامیان قرار داشت. بنابر شواهد تاریخی که موجود است، در اوایل قرن ششم بعد از میلاد، (White Hunts) تهاجم نمودند و تمدن این عصر را نابود ساختند. بعداً در احیای مجدد این تمدن تلاش به عمل آمد و آثار گرانبهای آن حفظ گردید.

در قرن نهم بعد از میلاد نفوذ اسلام گسترش پیدا کرد و این دین یعنی دین بودایی در این منطقه از ریشه خشک گردید. فاتحان اسلام در منطقه آنقدر خسارات و ویرانی را به بار نیاوردند و هر دو مجسمه های بودا به جای خود قرار گرفت، اما چیزی که باید رخ نمیداد، همانا تراشیدن روی بودا بود که البته توسط قوای فاتحان اسلام تراشیده شد، اما مجسمه ها هر بجای خود باقی ماندند. بعداً جنگجویان مغل به سرکردگی چنگیز خان در سال ۱۲۲۱ م. در منطقه وارد شدند و در جریان محاصره دوامدار شهر بامیان و همشهریان آن در مقاومت این محاصره، نواسه بسیار دوست داشتنی چنگیز را که بنام Motokun یاد می شد، توسط مردم هزاره به قتل رسید. بدین ترتیب جنگجویان مغل به

خاطر انتقام از مردم بامیان، شهر بامیان را بالخصوص شهر غلغه را که بسیار مشهور بود، در آن زمان کاملاً ویران نمودند و سوختانند، اما خود چنگیز خان هیچ نوع غلطی در قسمت مجسمه های بامیان و مغاره های که مزین با نقش و نگار بودند، نکرد و حتی دست نزدند.

در جریان این حوادث و تاریخ معاصر افغانستان، دیده میشود که در دوره امیر عبدالرحمان خان، این میراث فرهنگی شدیداً خراب شد. (۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) وقتی که امیر عبدالرحمان خان این منطقه را بعد از مدت طولانی بدست آورد و جنگهای شدید که بین مردم هزاره و لشکر امیر صورت گرفته بود، (۱۸۸۰ - ۱۹۹۳) امیر نه تنها از قتل مردم هزاره دست نکشید بلکه هزاران تن از مردم محل را مجبور به ترک این منطقه نمود. امیر عبدالرحمان خان در قسمت میراث های فرهنگی این منطقه اصلاً هیچ توجه ننمود و برعکس شدید تر از چنگیز در قسمت تخریب منطقه پرداخت و با گرفتن انتقام هر چه بیشتر از مردم هزاره، میراث های فرهنگی این منطقه را نیز تخریب نمود.

در وقت امیر امان الله خان که از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ سلطنت نمود، موصوف یگانه پادشاه افغانستان بود که بعد از اینقدر ویرانی و تخریب به بامیان سفر نمود و از بامیان و میراث های فرهنگی آن دیدار به عمل آورد و صحبتی از اهمیت و ارزش های فرهنگی در آن وقت نمود. به منظور احیای مجدد و حفظ میراث های فرهنگی در بامیان، امیر امان الله خان در قدم اول Surais یا هوتل های را که مردم در ساحه و اطراف مجسمه ها ساخته بودند، از نزدیک مجسمه ها دور ساخت. مغاره ها را از موجودیت مردم که اشغال نموده بودند، تخلیه نمود. بعد از باستان شناسان فرانسوی دعوت به عمل آورد تا منطقه را از لحاظ باستانشناسی و قدامت آن برای مردم افغانستان و جهان معرفی بدارند. ولی بدبختانه بعد از شاه امان الله خان، دیگر شاهان افغان مثل نادر شاه و ظاهر شاه پادشاهان سابق افغانستان و سردار محمد داود نسبت به دلایل سیاسی که در نزد خود شان موجود بود، این منطقه را به باد فراموشی سپردند.

بعد از اینکه خاندان سلطنتی قدرت را از دست دادند، رژیم کمونستی خلق و پرچم در قسمت محافظه و حفظ میراث های فرهنگی، با یونسکو همکاری نمودند ولی این مطالعات نسبت جنگ های داخلی که در اطراف شهر کابل و سایر نقاط در گرفت، متوقف گردید. در ۱۹۹۵ ولایت بامیان به طور کل توسط حزب وحدت کنترل میگردد. بازار کهنه که در پهلوی این میراث های فرهنگی قرار داشت، آهسته آهسته از این ساحه به ساحه دیگر انتقال داده شد و بازار جدید به نام غلغل بازار بوجود آمد. این بازار قسمی در دوره طالبان توسط طالبان اشغال گردید. در ماه می ۱۹۹۷ قمندان طالبان بنام ملا وحید بعد از اینکه بامیان را کاملاً اشغال نمودند، بیانیه یی برای مردم محل ایراد نمود و اعلان کرد که:

"باید همه این مجسمه ها و مغاره ها نابود گردند!" و در این وقت چندین حمله در مناطق مختلف بامیان صورت گرفت. طالبان نظر به بمباران های که در این منطقه نمودند، بالخصوص در نزدیکی مجسمه های بودا در بالای طبقات احجار کانگو میراث های که در بالای سر مجسمه ها قرار داشتند، درز برداشتند و یکتعداد کفیده گی ها بعمل آمد. بعد از سپری شدن یک سال در دسمبر ۱۹۸۸ وقتی که طالبان به دره بامیان داخل شدند، بر اساس اعلامیه قبلی شان چندین فیر راکت در سر و روی مجسمه های بودا در بامیان نمودند. از آنجاییکه این میراث های فرهنگی در بامیان هم سویه تمدن مصر قدیم بود، ولی بد بختانه طالبان جاهل و وطن فروش آخرین تلاش را به خرج دادند تا این میراث های فرهنگی را که نه تنها مربوط به ملت افغانستان بود، بلکه مربوط به جهان بشریت بود و به همه جهانیان تعلق داشت، از بین بردند و صفحه سیاه را با خط درشت در تاریخ افغانستان به نام خود باز کردند.

از آن جایی که بت های بامیان در وادی زیبای بامیان موقعیت داشت، چون این وادی به صورت کل وادی حاصلخیز و از لحاظ فرهنگ کهن افغانستان بنام وادی فرهنگی نیز یاد میشود، این وادی نه تنها از لحاظ فرهنگی بلکه از لحاظ تاریخی و تجارتي نیز دارای اهمیت خاصی بود. چنانچه کاروان های تجارتي (راه ابریشم) و همه در سر راه بعضی از جهانکشایان تاریخ قرار داشت. مدنیت ها زیادی را در بغل خود پرورش داد و به گونه مثال میتوان از شهر غلغه، شهر ضحاک، شهر سرخسک، شهر شاهي، چهلستون، دره ککرک، خرابه های سرخ دره اژده های سنگی یا دره اژر، دو پیکره بزرگ بودا و بقایای پیکره های کوچک و دیگر نقاشی های سقف ها و جوار معابد و سموچ ها یاد کرد.

اما موجودیت دو مجسمه عظیم بودا که در حدود پانزده قرن با قد های رسا در روی صخره های زردگون کانگلو میراث ها ایستاده بودند، یکی از گنجینه های کم نظیر فرهنگی کشور مان محسوب میگردد.

این دو بت بزرگ بودا که در ماه مارچ سال ۲۰۰۱ نظر به فرمان خایانه ملا عمر و آی.اس. آی، عرب های تروریست تخریب گردید، توته و پارچه های آن که ده ترک (موتر باربر) را در بر گرفت، به پشاور پاکستان توسط زاماداران طالبان و آی.اس. آی انتقال داده شد. بزرگترین پارچه آن در حدود ۱۷۰ فت میرسید. همه این پارچه ها که

میشد در ترمیم بودا ها از آن استفاده کرد، در دسترس قاچاقبران بین المللی از طرف طالبان و آی.اس. آی پاکستان گذاشته شد و به فروش رسید.

آخرین شب

امشب که در سکوت فرو ریخته آسمان

امشب که ابر غصه و اندوه نشسته است

بر دیدگان مضطرب تک ستاره ها

در نیلی سپهر، در اوج بیکران

امشب که اشک درد بریزد ز چشم سنگ

از قله های شامخ کوه پایه شبیر

بر وادی خموش و سیه پوش بامیان

آنجا به پای کوه فتاده دو پیکری

در انتظار مرگ

خاموش و بی صدا

پای رواقها

بتهای اهل پار، وین یادگار عظمت نوار روزگار

در عرصه قرون

در پهنه زمان

\*\*\*

عقل گفت ای امیر بی فرهنگ

بر شکست بتان مکن آهنگ

گفت ملا عمر که این سنگ است

سنگ را قبیله جنگ است

نیست اینگونه بت مرادر کار

که بود پشت آن سوی دیوار

(داکتر سمیع حامد)

در گذشته ها به صد ها هزار جهانگرد و توریست از این وادی و بت های بامیان دیدن مینمودند که عاید سرشاری برای دولت های سابق و مردم محل بود. این مجسمه ها چه از لحاظ جغرافیایی و چه از لحاظ هیكل تراشی از ارزش خاصی برخوردار بودند و کتیبه بی که بالای سر مجسمه ۵۳ متری قرار داشت، می رساند که تراش این دو مجسمه بیش از یک قرن رادر بر گرفته بود تا این مجسمه ها تمام شد ولی تخریب آن صرف نه روز را در بر گرفت.

ملا عمر که شخصاً از اوامر بادار خود پاکستان و عربستان فرمان تخریب مجسمه های باستانی بودای بامیان را اخذ نمود، در روز دو شنبه ۲۶ فیروزی سال ۲۰۰۱ مطابق به هفتم حوت سال ۱۳۷۹ خورشیدی فرمان تخریب مجسمه های بودا را صادر کرد. کار تخریب مجسمه ها از اول مارچ سال ۲۰۰۱ مطابق به ۱۱ حوت ۱۳۷۹ آغاز یافت و به تاریخ نهم مارچ مطابق ۱۹ حوت ۱۳۷۹ ختم شد.

تخریب بزرگترین مجسمه های ایستاده بودا در بامیان مردم جهان و تمام اهل هنر و فرهنگ و مردمیکه مشرف به دین بودیسم بودند، برانگیخت و همه را وادار به دفاع از مجسمه ها ساخت. سازمان ملل و تمام کشور های جهان از

طالبان تقاضا نمودند که این میراث فرهنگی بشریت را نابود نسازند. ولی ملا عمر که از اوامر بادر خود پاکستان و عربستان دست بردار نبود، تقاضای جهان و مردم جهان را و حتی ممالک اسلامی را رد کرد و نپذیرفت و به تخریب مجسمه ها پرداختند.

مقامات طالبان اعلان کردند که فرمان غیر قابل برگشت است و فسخ نمی گردد. این مطلب را وکیل احمد متوکل سخنگوی ملا عمر ابراز داشته بود.

دلیل اینکه چرا فسخ نگردید، همانا نوکر بودن آنها و اطاعت از فرمان بادران چون پاکستان و عربستان شان بود. طالبان اصلاً خود شان صلاحیت نداشتند تا از تخریب اوامر بادران شان سر باز بزنند. بدین ترتیب تلاشهای جامعه بین المللی در مورد نجات بزرگترین میراث فرهنگی بشریت به ناکامی مواجه گردید. چنانچه نشریه ضرب مومن که حیثیت بلند گوی تروریستهای فرهنگی را داشت، در یکی از اعلامیه های خود نوشته بود: "در تخریب مجسمه های بامیان در حدود ۱۲۵۰ من مواد منفجره که هر من آن مساوی به ۴۰ کیلوگرام است، بکار رفته است." این نشریه به افتخار بعد از تخریب مجسمه های بامیان تقویمی را بنام بت شکن بشکل رنگه به چاپ رسانید که در آن عکس های رنگه از مجسمه های قبل از تخریب، هنگام تخریب و دو حفره تابوت مانند را بعد از تخریب نشان میداد.

به همین ترتیب نشریه های مثل نیوز انترنیشنل پاکستان به تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۰۱ در صفحه ۱۲ خود نوشت که ملا عمر فرمان داد تا یک صد گاو را به خاطر به تعویق افتادن تخریب مجسمه ها قربانی نمایند. همین نشریه بتاریخ ۲۰ مارچ ۲۰۰۱ خود در صفحات اول و هشتم خود زیر عنوان "طالبان بخاطر به تعویق افتادن تخریب مجسمه ها، کفاره یکصد گاو را قربانی کردند که از آن جمله در محوطه کاخ ریاست جمهوری توسط بیست قصاب قربانی گردید." همین نشریه در ۱۲ اپریل ۲۰۰۱ خود در صفحه ۱۲ زیر عنوان "بقایای مجسمه های بامیان برای لیلام در پشاور آورده شده و به فروش میرسد." مینویسد: "بقایای مجسمه های دو هزار ساله بامیان که به وسیله طالبان تخریب گردیده بودند، در شهر پشاور به فروش رسید که حد اقل ده لاری از بقایای مجسمه ها در مناطق قبایل بین افغانستان و پاکستان انتقال داده شده بود." دلالات آثار تاریخی به آنجا رفتند. این دلالات از نقاط مختلف جهان با ویژه پاکستان داخل پاکستان شده بودند که قسمت اعظم مجسمه بودای ۳۵ متر توسط طالبان به سنگریزه ها تبدیل گردیده بود. و اما قسمت متباقی آن توسط دلالات طالبان پاکستانی در معرض لیلام گذاشته شده بود که یکی از دلالات معروف آثار تاریخی جورج برستو انگلیسی میباشد که بعد از خریداری پارچه های آثار بت های بودا بسته بندی و از طریق میدان هوایی پاکستان آزادانه به خارج انتقال داده شد. چنانچه به گفته محسن مخمل باف دایرکتر فلم "سفر قندهار" که گفته بود: "بودا در افغانستان تخریب نشد، بلکه از شرم فرو ریخت!"

در اینجا قابل یاد آوردیست که هرگاه دست اندرکاران پاکستانی در کار نبود، چطور رسماً برای دلالات آثار تاریخی ویژه صادر گردیده و چطور آنها توانستند همچو پارچه های بزرگ را با همان سنگینی آن از میدان هوایی اسلام آباد آزادانه از پاکستان بیرون بکشند؟

مجسمه های بودا تنها ارزش فرهنگی نداشت، بلکه از ارزش فراوان اقتصادی از رهگذر جهانگردی یا توریسم نیز برخوردار بود. چنانچه بر اساس گزارشهای مقامات ولایت بامیان در سال ۱۳۶۵ خورشیدی بر اساس تخمیناتی که گردیده بود، در طی دو سال در حدود شش صد هزار سیاح از بامیان، بند امیر و دره هاجر دیدن کرده بودند که هر گاه هر توریست در حدود صد دالر مصرف کرده باشد، در این صورت ۶۰ میلیون دالر در جیب مردم فقیر افغانستان می ریخت.

بدون شک اگر شرایط آرام می بود، تعداد سیاحین به میلیونها میرسید و این یک عاید بدون دود بود، یعنی بدون اینکه کدام کاری را مردم آن محل انجام داده باشند، پول و اسعار وارد افغانستان میشد. به همین قسم سند تلگراف چاپ لندن نیز تحت عنوان "بودا ها به فروش میرسند" عین گزارش را به چاپ رسانیده بود.